

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

طیار یزدان پناه لموکی
۲۶ سپتمبر ۲۰۲۰



طیار یزدان پناه لموکی

رویکرد نوین در خاور میانه، واکنش امپراتور و نقش حکومت ها



شتاب دادن به پروژه تحول ساختاری در خاورمیانه پس از انفجار بندر بیروت، از جانب امپراتور به سرکردگی نظام حاکم بر امریکا و طرح صلح با طالبان، یا در خواست مشارکت آن ها در قدرت با حکومت دست نشانده اش در افغانستان و نیز به کار گیری سیاست تمکین علیه برخی قدرت های منطقه ئی جهت نزدیکی به اسرائیل که در صورت عدم پذیرش به رغم داشتن سیاست های اقتصادی همسو، مجازاتی چون تضعیف، تحریم و فروشکستن قدرت آنان، چه به صورت جنگی متعارف و یا نا متعارف، نشانگر آن است که قطب بندی تازه ای در چارچوب سیاست نومحافظه

کارانه آمریکا و متحدانش قبل از انتخابات آمریکا به عنوان یک ستراتیژی در سیاست خارجی شکل گرفته و به صورتی پررنگ در منطقه نمود یافته است. بدیهی ست نکات آمده بیانگر رقابتی تنگاتنگ بین دو حزب قدرتمند، دارای دو گرایش سیاسی - اقتصادی روشن که پس از انتخاب نخستین دور پیروزی ترامپ، تظاهر جهانی یافت، می باشد.

در باره شرح دو گرایش آمده بین دو حزب جمهوریخواه و دمکرات آمریکا، گفتنی ست. روگولف، رئیس بنیاد مطالعات آمریکا موسوم به روزولت در دانشگاه دولتی مسکو در این باره معتقد است: "دموکرات ها خلاف ترامپ، طرفدار جهانی شدن هستند، اگر رئیس جمهور فعلی به شعار "اول آمریکا" پایبند است، ولی حزب دمکرات بر تسلط جهانی ایالات متحده از نظر اقتصادی، سیاسی و نظامی متمرکز است" ۱ برای نشان دادن ویژگی ها و مغایرت های سیاسی محافظه کاران جدید در تطبیق با دوره جهانی شدن (گلوبالیزاسیون) یا سیاست های محافظه کارانه رونالد ریگان - مارگارت تاچر مربوط به چهل سال پیش، یاد آوری خطوط کلی آن لازم به نظر می رسد که: "راست گرایان در آمریکا و بریتانیا و کشور های دیگر، خشم و نارضایتی محرومان را خوب درک کرده اند که انتخابات بریتانیا نشانگر دنباله باز سازی همین سیاست است. تردیدی نیست دوران تازه ای آغاز شده است که رأی دهندگان تازه ای را وارد میدان کرده و دسته بندی ها و نگرش ها و سیاست های تازه ای را پیش کشیده اند که عامل به میدان آوردن رأی دهندگان تازه نفس است با این تأکید که جریان های سیاسی در غرب اکنون به طور قابل ملاحظه ای عوام گرایانه تر و ملی گرایانه تر شده است، تا حدی که رأی دهندگان در حوزه های انتخاباتی کارگر نشین را به خود جذب کرده اند. خویشن داری مالی، که زمانی از شعارهای اصلی محافظه کاری بود، دیگر کمتر اهمیت دارد. باز نویسی قوانین حاکم بر اقتصاد جهانی، اهمیت بیشتری یافته است. این نهضت راستگرایانه در حال چرخش به سوی ملی گرایانه و تنگ نظرانه که به جهانی سازی پشت می کند. مقید به ریاضت مالی و جزم گرایی بازار نیست. رویکردش تغییر دستگاه حاکم موجود و تحقیر قشر ممتاز لیبرال است بدین خاطر خود را به طبقه کارگر نزدیک می کند. امثال ترامپ و جانسون فرصت طلبانه با احساسات رأی دهندگان قشر میانی و طبقه کارگر (بچه آبی ها) بازی می کنند که زندگی شان زیر بار تعدیل ساختار جهانی طبقه حاکم و اوج آن در فروپاشی ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ تباہ گردید. امری که در خاورمیانه به طور مضاعف مصداق دارد. ترامپ پس از روی کار آمدن توانسته دستمزد آنان را در سال ۲۰۱۸ در مجموع به طور میانگین ۳ درصد افزایش بدهد." ۲

حامیان جدی این تحول ساختاری که در پی اتحاد ترامپ و جانسون شکل گرفت ۳ مانند آنچه که پیش تر بین ریگان - تاچر رخ داد، یعنی وابستگان طرح قدیم، پیوستگان طرح جدید در اروپا از جمله در ایتالیا، هنگری و پولند که مورد فرانسه را در رابطه با واکنش مکرون در انفجار بیروت در ذیل آورده شد... و نیز بیرون از اروپا هند، جاپان، برزیل، چلی و حتی روسیه و چین که کشور اخیر در رویارویی با آمریکا به عنوان دوقدرت ملی گرا در جنگی نا متعارف یا جنگ بدون محدودیت که هیچ چیزی که بتواند دشمن را مختل کند ممنوع نیست از آن جمله: حمله های متعدد علیه امنیت ملی، اقتصادی، سیاسی و اطلاعاتی ست، در گیر هستند را نمی توان از نظر دور داشت. مغایرت ها و تفاوت برشمرده شده در فوق، اندیشه جا افتاده ای ست که در برابر نگاه کهنه و شکست خورده "بایدن" ها از حزب دمکرات، مورد توجه ست.

نکته ای که نمی توان فرو گذار کرد مناسبات تجاری بین چین و آمریکا ست که در این دوره پر تنش طبق آمار، "دومیلیون و ششصد هزار شغل تازه در داخل آمریکا به وجود آمد و بیش از ۷۲ هزار و ۵۰۰ شرکت امریکائی در چین سرمایه گذاری کردند و بیشتر آنان سود کلانی به دست آوردند." ۴

اکنون با توجه به شرح مختصر فوق ، ضمن درک پیچیدگی های مسائل اجتماعی - سیاسی در خاورمیانه گفتنی ست بالنده شدن مبارزات داد خواهی در میان افشار و طبقات تحت ستم ، در یک دهه اخیر امپراتور را به تأمل واداشته است منته قشر ممتاز جامعه به ویژه اسلام سیاسی (اشرافی) ظاهراً در درک شرایط نوین برای حفظ وضع موجود مردد و کند عمل می کنند بدین خاطر جهت تفهیم شرایط ، اندیشمندان جانبدار وابسته به بنیاد های مطالعاتی امپراتور در تحلیل سیاست نوین راه ترمپ به تبیین شرایط موجود خاور میانه به طور مرتب از طریق ابر رسانه ها می پردازند ، آنان روی این نکته تأکید دارند که : *خاورمیانه در سال های اخیر وارد فاز نوین سیاسی شده که حاکی از رشد جنبش های اجتماعی - فرهنگی در منطقه است . که به روایت علیرضا نامور حقیقی " درک مردم منطقه تغییر کرده " ۵ که از جمله فاکتورهای مهم این تحول فکری را گذار از باورمندی مطلق دانسته اند که به طور نمونه عدم واکنش توده مردم مسلمان منطقه نسبت به جابه جایی پایتخت اسرائیل از اورشلیم به بیت المقدس می باشد که از جانب راست های افراطی اسرائیل به رهبری بنیامین نتانیاهو صورت گرفته است .*

این امر واکنش تندی را بر نینگیکت تا مشکل به وجود آمده خود به خود ، به صورت یک بازی سیاسی - مذهبی در خاورمیانه ، اذهان عمومی را دچار آشوب کند و به احتمالی آنان را وادارد دست از خواسته های صنفی - سیاسی خود بردارند و وارد یک نزاع مذهبی بی پایانی شوند . فرصتی که آنان بتوانند از این " بازار شام " فتنه حساب شده ای را رقم بزنند . این بیداری مردمی ، تأثیر کیفی قابل ملاحظه ای را بر جا گذاشت که از جمله می توان به توقف شهرک سازی در غرب رود اردن اشاره کرد. مانند آن چه در اروپا و امریکا شاهد تظاهرات و اعتصابات گسترده در سال های اخیر بودیم هر چند از جانب علیرضا نامور حقیقی این عقب نشینی به صورت یک تعامل از سوی اسرائیل تلقی شد که در واقع این طور نبود مانند آن چه وی در باره عربستان که مانع از حمله امریکا در انفجار الخبرظهران در ۲۵ جون سال ۱۹۹۶ به ایران ذکر کرد . دو کشوری (اسرائیل و عربستان) که گویا باید در پروژه تازه دو جریان را با یک هدف مشترک رهبری کنند و دیگر کشورها از آنان تبعیت نمایند . روشن است هدف از این پروژه ، سرکوب جنبش های ملی - میهنی گسترده در منطقه است . که کشور های خاورمیانه برای تجهیز شدن ، نخست باید مردمی را که پر شور و مصمم وارد می دانند ، با برخی اصلاحات پوپولیستی از هسته مرکزی جنبش ها جدا کنند و پس از آن به از بین بردن موتور جنبش بپردازند در این زمینه ذکر دونکنه لازم به نظر می رسد .

گفتنی ست پارلمان اسرائیل در جنوری ۲۰۱۷ قانونی تصویب کرد که به ساخت خانه های مسکونی در سرزمین اشغالی که محل سکونت سه میلیون فلسطینی ست ، جنبه قانونی داد . گروه های فلسطینی ضمن نشان دادن واکنشی حق طلبانه ، آن را مرگ راه حل تشکیل دو کشور همسایه و آغاز تصرف کامل کرانه باختری دانستند . محمود عباس مصوبه پارلمان اسرائیل را اعلام جنگ به جامعه بین المللی خواند . نهاد های حقوق بشری و گروه های چپ گرای اسرائیل این مصوبه را هم با قوانین اسرائیل و هم با قوانین بین المللی مغایر دانستند . راهپیمایی مشترک اعراب و یهودیان اسرائیل علیه تخریب خانه های اعراب توجه جهانی را برانگیخت ۶ . در پی این اعتراضات که تکانه های اجتماعی را دربر داشت ، نمایندگان کشورهای عضو پارلمان اتحادیه اروپا ، تصویب پروژه ساخت ۲۵۰۰ واحد مسکونی توسط دولت اسرائیل را در مناطق اشغالی محکوم کردند . علاوه بر این وزارت خارجه سوئیس با انتشار بیانیه ای از تصمیم دولت نسبت به ساخت ۵۶۶ واحد مسکونی در قدس شرقی ، بر اساس حقوق بین المللی غیر قانونی خواند و آن را ناقض حقوق شهروندی ، سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی مردم فلسطین توصیف کرد . بیانیه وزارت خارجه سوئیس ادامه ساخت شهرک های یهودی نشین را تهدیدی جدی برای برقراری صلح و راه حل دو دولتی دانست و خواهان لغو این تصمیم و توقف ساخت شهرک سازی شد . کمیساریای عالی حقوق بشر ملل متحد ، راونینا شمداسانی

گفت: تأیید ساخت ۲۵۰۰ واحد غیر قانونی از سوی اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین باعث نگرانی عمیق ماست. " ۷ لازم به یاد آوری ست، اسرائیل در جریان پیروزی در جنگ ۶ روزه خاورمیانه، کرانه باختری و شرق اورشلیم (بیت المقدس) را تصرف کرد. بنا بر این در پی اعتراضات گسترده جهانی اسرائیل از مصوبه قانونی خود (شهرک سازی) عقب نشینی کرد. پوشیده نیست که جناح راست افراطی حاکم بر اسرائیل احترامی برای حقوق شهروندی قائل نیست اگر چنین بود چنان پروژه غاصبانه ای را تدارک نمی دید.

تجربه دوم به هم پیوستگی مردمی خاورمیانه که بسیار بارز و آشکار خود را نمود و صف بندی تازه ای را رقم زد رویارویی آنان با ویروس کرونا ست. در این جنگ میکروبی، گذشت مردمی از طبقه و اقشار پائینی تا حد متوسط میانی، یک پارچه برای رهائی از این بلیه تقویت شده امپراتور، به پا خاستند. به همان اندازه که مافیای دارویی وابسته به مافیای بین المللی در منطقه به جان و مالشان به صورت ویروسی مضاعف هجوم بردند. تأثیر این دو جریان همراه با جنبش کارگری و درک آن در قیاس با گذشته، پیوستگی نوینی را رقم زد و تحول و آرایش طبقاتی، صحنه سیاسی منطقه را وارد مرحله نوینی نمود که بی ارتباط با تحول اندیشگی بین المللی در درک حقوق فردی و اجتماعی نیست. ورشکستگی سیاست نولیبرالی در جهان و منطقه، رو شدن فساد حکومتی در غالب کشورهای خاورمیانه، به طور چشم گیری، خیزش های اجتماعی را گسترده، پیوسته و دامنه دار کرده است. کوبیدن طبل اصلاحات امریکائی برای حفظ حکومت های موجود و بردن کشورهای منطقه زیر بلیط اسرائیل و عربستان، بدون تردید خاورمیانه را وارد درگیری تازه ای از جنبش های مردمی علیه حکومت ها خواهد کرد..

بنا بر این، **جناح محافظه کار سرمایه داری** برای جلوگیری از تعمیق مطالبات اجتماعی که به طور فزاینده فراگیر شده است. رویکرد سیاسی اش را در مورد اقتصادی تغییر داد که حذف ریاضت اقتصادی از آن جمله است تا جهت طرد جنبش های چپ و چپ گرایی با ارائه برنامه های تحول طلبانه که نقشی پر تأثیر در اعتراضات بین المللی و منطقه نی در دو عرصه آزادی های سیاسی و رفاه اقتصادی دارد، با ارائه برخی اقدام های پوپولیستی، برگ بازی را از آنان برویابد که نمونه بارز آن هشداروزیر امور خارجه فرانسه در باره اوضاع لبنان است که: " امروز خطر نابودی موجودیت لبنان را تهدید می کند و برای پیشگیری از این خطر باید تدابیر اضطراری اتخاذ کرد و تأکید کرد **اصلاحات ضروری در لبنان را طبقه حاکم این کشور که منفور مردم لبنان است نمی تواند اجراء کند. او گفت: نیمی از جمعیت لبنان زیر خط فقر زندگی می کنند. جوانان سردرگم و بیکاری و تورم وحشتناک و حیرت آور است.** این امر در غالب کشورهای منطقه مصداق عینی دارد چنان که فاضل ابورغیف کارشناس امنیتی عراق در دستگاه مصطفی کاظمی نخست وزیر از طبقه ممتاز در حمایت از طرح مبارزه با فساد در عراق، گفت که: " کشور به شرایطی خطرناک وارد شده است. " **مکرون در ادامه افزود: هیچ کس چک سفید برای حکومتی امضاء نخواهد کرد که از اجرای اصلاحات اساسی به ویژه در زمینه خدمات عمومی و نظام بانکی خود داری می ورزد** " ۷ برای روشن داشت تهدید مکرون گفتنی ست که: " طبقه سیاسی لبنان تا خرخره غرق در فساد هستند و طبیعی ست که از تحریم ها بترسند زیرا میلیاردها و میلیون ها سپرده خارجی آن ها یا آن چه اخیراً به بانک های سوئیس و فرانسوی منتقل کرده در معرض بلوکه شدن و شاید مصادره قرار دارند. " ۸

حزب تحول طلب لبنان طی فراخوانی که برای کلیه گروه های خواهان " اصلاحات و تغییر " در لبنان منتشر کرد در باره حضور رئیس جمهور فرانسه در این کشور بر آن است: " سفر رئیس جمهور فرانسه به لبنان را نشانه دیگری از حمایت مجدد بین المللی از نظام سیاسی کشور و مشروعیت دادن به آن می داند " در ادامه می افزاید: " در ۳۰ سال گذشته فرانسه و دیگر قدرت های خارجی از **نظام سیاسی فاسد** کنونی حمایت کرده اند. این قدرت ها، نهاد های دولتی

لبنان را که جناح های فاسد آن ها را کنترل و مدیریت می کنند . حمایت مالی مستقیم کردند . " گفتنی ست وجه مشترک دو تحلیل سیاسی از وضع موجود در لبنان با نامیدن **حاکمان فاسد** و **منفور مردم** از دو جریان یعنی قدرت خارجی (فرانسه) و دیگر حزب تحول طلب لبنان که با شعار حمایت از مردم بیان شده ، دو جریان فکری ست که به لحاظ داشتن سیاست ستراتیژیک با هم متفاوتند . نگاه مکرون رویکردی بین المللی جهان سرمایه دارنو محافظه کارانه است که پس از شکست نئولیبرالسیم در دستور کار شان قرار گرفته که با اهداف حزب تحول طلب لبنان جهت برون رفت از رویداد پیش آمده (انفجار بندر بیروت) مغایر است . حزب تحول طلب بر آن است که : " ... دعوت به مداخله قدرت های خارجی ، بستر آماده ای را برای تجزیه کشور و نهاد های ملی و ضربه زدن به حاکمیت ملی لبنان را فراهم می کند [دیگر آن که] خواستن از قدرت های خارجی که قیمومیت سرزمین کشورمارا به عهده بگیرند همیشه یکی از عناصر قدرتمندی بوده است که قشر ممتاز سیاسی کشور از آن استفاده کرده است . نظام سیاسی لبنان همیشه از وجاهت قانونی از نظر قدرت های خارجی سودبرده است . "

همان طور که اشاره شد چاره جوئی برای مقابله با جنبش مردمی ، امپراتور را وا داشت جهت پیشگیری و کنترل انفجار اجتماعی دهها میلیونی مردم گرسنه منطقه ای که در پی اعمال سیاست اقتصادی نولیبرالی به خاک سیاه نشستند دست به سیاست اصلاحی تازه ای بزند که از جمله عادی سازی مناسبات امارات و اسرائیل را می توان شاهد مثال آورد .

مورد دیگری که در دستور کار امپراتور قرار دارد که بسیار قابل توجه ست نخست تغییر مواضع ایران در قبال اسرائیل است که به تحلیل گروه فوق (نامور حقیقی و ...) با این استدلال که در دوران جنگ ایران و عراق اسرائیل دو خدمت بزرگ و عمده به ایران کرد ۱- زدن مرکز هسته ئی عراق [عملیات اپرا که با نام عملیات بابل شناخته می شود در ۷ جون ۱۹۸۱ میلادی و در جریان جنگ ایران و عراق توسط نیروی هوایی اسرائیل علیه تأسیسات اتمی عراق به نام " اوسیراک " صورت گرفت گفتنی ست این تأسیسات زیر نظر فرانسه بود] ۲- فروش سلاح به ایران در دوران جنگ ایران و عراق است ، که در مورد اخیر کتاب پول خون به تفصیل از آن سخن رانده است . ضمن آن که آیت الله منتظری در مصاحبه ای با خبرنگار بریتانیائی به آن اشاره کرده است بنا به تحلیل گروه نامور حقیقی ، ایران برای حفظ نظام و منافع ملی باید "سیاست ترک مخاصمه با اسرائیل " را بنا به این دو خدمت در پیش بگیرد و در مورد کشورهای عربی "سیاست تنش زدائی " را ارجح دارد . همکاری ایران و عربستان به عنوان دو کشور بزرگ اسلامی بسیار مهم دانسته و یاد آور شدند عربستان سعودی پس از جریان " الخُبر " مانع امریکا از حمله نظامی به ایران شد ۹ چهره سازی از اسرائیل و عربستان در دفاع و بقاع حکومت ایران شگفت انگیز است در این گفت و گو نه از انفجار مرکز یهودیان موسوم به آمیا در بوینس آیریس ارجنتاین (۱۹۹۴) و نه از کشتار و تجاوز به حجاج ایرانی در ۹ مرداد [اسد] سال ۱۳۶۶ معروف به فاجعه منا در مکه سخن به میان نیامد . در عین حال بیانشان حول یک ناگزیری برای پذیرش سیاست نوین آمده در بالا دور می زد و آن برشمردن اقدامات محمد رضا شاه برای فلسطینی ها چه در ساخت و ساز بنا برای مردم فلسطین و چه طرح عقب نشینی اسرائیل به مرزهای ۱۹۶۷ که مبتکرش محمد رضاشاه بود جهت یابی داشت ... در واقع برای حکومت ایران یک هشدار آلتر ناتوی را گوشزد می کردند . تصویرشان از قدرت نظامی ایران در حد چند انفجار کنار شهری که توان رویاروئی با اسرائیل را ندارد و نیز فرماندهان نظامی را چمدان به دست در حال گریز توصیف نمودند. در واقع به جریان غیر نظامی ایران هشدار می دادند که در اندیشه چاره جوئی برای بقای حکومت خود باشند . یعنی دور شدن از سیاست پیشین ، به کار گیری اصلاحات اقتصادی - سیاسی نسخه نو محافظه کارانه ترمپ - جانسون .

بدیهی ست تمام این تمهیدات از سوی امپراتور بدان خاطر است ، که جنبش های اعتراضی در خاورمیانه بالنده و نقش آفرین شده است ، ضمن آن که حضور روسیه ، به ویژه چین با توجه به رقابت سنگینی که با امریکا دارد خود نگرانی مضاعفی برای امپراتور به نظر می رسد ضمن توجه به مسأله افغانستان و موقعیت ستراتیژیکی که این کشور داراست آیا می توان این احتمال را داد در یک شرایط مقتضی به پشتیبانی از مردم منطقه بر آید؟ همان طور که در مقابل تحریم های امپراتور سیاست وتو را به کار گرفت و یا بارزتر آن که طبق گزارش ها ، پس از انفجار اعتراض های گسترده مردمی در امریکا علیه نژاد پرستی زیر پرچم " زندگی سیاهان اهمیت دارد " پشتیبانی می کند ، می تواند چنین نقشی را در خاورمیانه نیز در رویارویی با قدرت های بزرگ غرب به سرکردگی نظام حاکم بر امریکا ایفا نماید؟ پوشیده نیست به کارگیری سیاست ضد نژاد پرستی در امریکا برای چین صدمات اقتصادی را در پی دارد چنان که در "سال ۲۰۱۷ مجموع واردات چین از امریکا حدود ۱۳۰ میلیارد دلار بود این در حالی ست که در همان سال چین کالائی به ارزش ۵۰۵ میلیارد دلار به امریکا صادر کرد . وجود کسری تجاری بیش از ۳۷۵ میلیارد دلار که آن را آغازی برای جنگ تجاری به حساب می آورند در سال های ۲۰۱۸ به بعد این رقم با اعمال سیاست اقتصادی ترمپ کاهش یافت . " که بر می گردد به مجموعه سیاست های اقتصادی و سیاسی این دو قدرت بین المللی در رویارویی با یکدیگر . با این همه در نظر داشتن چنین چشم اندازی (پشتیبانی چین از جنبش های اجتماعی خاورمیانه) اکنون به نظر دور می نماید زیرا شرایط خاص خاور میانه فوق العاده و پیچیده است و داشتن منافع به قاعده تعیین کننده است. البته پروژه راه ابریشم نوین نکته قابل توجهی ست ، منتها غرب شدیداً به آن واکنش نشان می دهد ..

با این همه آنچه می توان در باره جنبش های اجتماعی خاور میانه اشاره داشت حضورگسترده مردم معترض است که در یک دهه اخیر در عرصه داد خواهی برای "اصلاحات و تغییر" در منطقه کارزاری آفرینند هر چند احزاب و سازمان ها و گروه های به نسبت متحد نتوانستند با چنین پشتوانه پرتوانی برخی قدرت جهانی منطقه را به زیر بکشند به رغم این که مردم ونیرو های مردمی و احزاب ، گروه ها و سازمان های ملی – دموکراتیک تا پای جان با دادن تلفات سنگین ایستادگی کردند ، به نظر می رسد از جمله علل آن می تواند ، تهاجم خونبار راست های افراطی با محمل های باورمندی که سنگین ترین ضربات هولناک را در دهه های پیشین با حمایت امپراتوری عظیم جهان سرمایه داری به سرکردگی امریکا و متحدینش بر پیکر گروه های سیاسی ، نیرو های ملی – دموکراتیک به ویژه احزاب تحول طلب وارد آوردند ، باشد که باز سازی کمی و کیفی ، همه آنان را دچار مشکل سنگین نموده تا آن اندازه که با وجود جنبش های مردمی بسیار قدرتمند مانند بهار عربی در منطقه ، توان رهبری در دور نخست خیزش ها را نتوانستند به عهده بگیرند چه به لحاظ یک حزب قدرتمند مستقل و یا در اتحاد با احزاب و گروه های متفق ، در رویا رونی با جناح راست افراطی منطقه به تقابل تعیین کننده ای برخیزند و قدرت رادر دست بگیرند تا آن را به سمت تحول بنیادی که تغییر نظام را در پی دارد رهبری کنند ، منتها در دور دوم (۱۹۱۷ به بعد) بیش تر خود را یافتند با وجود این تعیین کننده نیست زیرا مردم با توجه به این خلأ عریان پس از سال ها مبارزه سخت و دشوار ، ناگزیر به تغییر چهره های همان نظام های دیکتاتوری اکتفاء می کنند و یا از طریق ابر رسانه ها آنان را ناگزیر به تمکین می نمایند مانند آن چه در تغییر چهره هاز مکرور در مورد لبنان یاد شد .

نکته مهم آن است که در دو دهه اخیر قرن بیست و یکم شاید جنبش های اجتماعی در خاورمیانه بزرگ، فراز و فرود فراوانی به ویژه از سال ۲۰۱۰ تاکنون پشت سر گذاشته باشند ، ولی توان جنبش به رغم هزینه سنگین ، به طورفزاینده ای افزایش یافت . نیروهای تحول طلب خود را یافتند . پیوستگی طبقات ، اقشار و لایه های پر تنوع اجتماعی تحت ستم ، در داشتن دردی مشترک ، به یکدیگر نزدیک شده اند . در نهایت این درس را آموختند که بیش

از هر چیز باید رویای خود بایستند . این همه ، تجربه نوینی ست که پس از فروپاشی شوروی حاصل آمد ، به نظر می رسد می توان به نسبت افق را روشن دید .

زیر نویس

۱- ۲۰۲۰/۸/۲۰

۲- طیار یزدان پناه لموکی ، کرونا بازی خطر ناک امپراتور ، مجله هفته / ۲۶ مارچ ۲۰۲۰

۳ - اتحاد امریکا و انگلستان بنا به خواست وال استریت و برادران راکفلر پس از جنگ جهانی دوم وارد دورانی شد که موسوم به جنگ سرد است . این همکاری در سال ۱۹۸۹ و پس از فروپاشی شوروی به پایان رسید و پس از سال ۱۹۹۲ دوره تازه ای آغاز شد با نام جهانی سازی مالی و صنعتی [گفتنی ست] در سال ۱۹۹۰ سازمان تجارت جهانی نوین برون سپاری نیروی کار ارزان را امکان پذیر کرد و موجب تنزل کار مزد و تخریب حجم صنایع در غرب شد ... مرحله بعدی عبارت بود از تخریب حاکمیت ملی در همه جا ... پیدایش سازمان جهانی و پیوستن چین به عنوان عضو تمام عیار در سال ۲۰۰۱ به مثابه مرحله کلیدی آینده مطرح بود [زیرا] به کشور های چند ملیتی غربی مانند ایل یا نایکی ، مرغ سوخاری کنتاکی تا فورد و فولکس واگن اجازه داد میلیارد ها دالر سرمایه به چین سرازیر کنند تا کالا هایشان به برکت کارمزد های نازل تولید و سپس به غرب صادر کنند " ویلیام انگدل ، مسائل بین المللی در آستانه جنگ بین امریکا و چین ، س مشعل ۹۹/۷/۲

۴ - سایت صدای چین ۲۰۲۰/۹/۱۱

۵ - ۹۹/۶/۱۲ اینترنشنال ، میز گرد سیاسی در باره مسائل خاور میانه ، با شرکت : علیرضا نوری زاده ، کاملیا انتخابی و علیرضا نامور حقیقی

۶ - دویچه وله ۹۶/۲/۵

۷ - سایت صدای فرانسه ۲۰۱۷/۱/۲۶

۸ - مجله هفته ۳ سپتمبر ۲۰۲۰

۹ - همان مأخذ